

شماره	نام بلد	ساخته تاخذ	موتین اعظم از اعظم های عربی : بلاد مغرب				صیغ نام
			طول		عرض		
			درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	
۲۳	باجه	اطوال	کط	مه	لا	از فریقیمیان بجایه و تونس	به فتح باء يك نقطه و الف و تخفیف جیم سپس هاء (المشترك)
۲۴	سیدبطله	اطوال	ل	.	ل	از سوم	بعض سین بی نقطه و فتح باء يك نقطه تحتانی و سکون دو نقطه تحتانی و فتح طاء بی نقطه و لام و در آخرش هاء.
۲۵	خیزرت و به قولی خیزرت	ابن سعید	ل	ن	لج	از آخر سوم	به فتح نون و سکون باء يك نقطه و فتح زاء نقطه دار و فتح راه بی نقطه و در آخرش تاء دو نقطه فوقانی عبدالواحد گوید : بندی است از تونس.

اوصاف و اسرار عامه

صاحب «المشترك» گوید: باجه شهری است از آفریقیه و نیز کوره‌ای است از آندلس. باجه شهر بزرگی است. بستان‌هایش اندک است. چشمه‌های آب دارد. شهر بر زمین همواری است. و گرداگرد آن باروئی است استوار. يك روزه راه از دریا دور است. ابن سعید گوید: میان باجه و بونه نهر مغیله جاری است. خلدوند هر دو جانب آن را به درختان رند و دیگر درختان مزین ساخته است. چنانکه گوئی دو طراز زیباست. برخی از مسافران گفته اند که باجه نیز قره‌ای است در مشرق نهر قیسوم و از آن به قدر يك تاخت اسب فاصله دارد [اددسی گوید: در وسط شهر باجه چشمه‌ای است که مردم از پله‌های آن پائین روند و آب بردارند شرب مردمش از آن چشمه است. میان باجه و طبرقّه يك مرحله و خورده‌ای است. مرسی الخورز در دریا روبه روی باجه است و آن شهر کوچکی است و باروئی استوار دارد. میان باجه و قیسوم پنج مرحله است.]

سبیطله، در قدیم کرسی مملکت آفریقیه بوده و آثار عظیمی که از عهد باستان در آن باقی مانده، دلیل بر این است. پس از سبیطله قیسروان و سپس مهدیه و بعد از آن تونس قاعده آفریقیه شده اند. ابن سعید گوید: سبیطله شهری است کهن و در آن آثاری است که بر عظمت دیرین آن دلالت دارد. [اددسی گوید: شهر سبیطله قبل از اسلام مقر جرجیس از پادشاهان روم در آفریقیه بود. مسلمانان در صدر اسلام آن را گشودند. و جرجیس را کشتند. از آنجا تا شهر قفصه يك مرحله است و اندکی. و از آنجا نیز تا قیسروان هفتاد میل است.]

تجزرت بر کناره رودی است که در مشرق آن جاری است. متزهاتی دارد. در جنوبش دریاچه‌ای است با آب گوارا و شیرین و دریاچه دیگری در مشرق اوست که آبش شور است. هر يك از این دو مدت شش ماه در دیگری می‌ریزد. ولی نه دریاچه شیرین به آب شور فاسد شود و نه دریاچه شور به آب شیرین گوارا می‌گردد. شیخ عبدالواحد گوید: تجزرت شهری است خراب و دریاچه‌هایی دارد. صاحب «العزیزی» گوید که: چون زمستان فرا رسد و سیلاب‌ها در آن دریاچه شیرین ریزد، بر دریاچه شور ریزش کند و آب آنرا بالا آورد. و چون تابستان فرا رسد و آب شیرین فرو نشیند، آب دریاچه شور در آن ریزد، تا بار دیگر زمان سیلاب‌ها فرا رسد. [اددسی گوید: درازای دریاچه شور شانزده میل است و پهنای آن هشت میل. و دریاچه شیرین چهارمیل است در چهارمیل از تجزرت تا طبرقّه هفتاد میل است و طبرقّه قلعه‌ای است بر ساحل دریا که چندان آبادان نیست و در اطراف آن اعرابی شرور زندگی کنند. آنجا ننگر گاه کشتی‌ها است.

ردیف	نام بکلمه	ساخته	سومین تقویم از اقلیم های مسرتنی : بلاد مغرب				تصیغ نام ما
			عربی		عربی		
			درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	
۲۶	رفاده	اطوال	لا	لا	لا	از قیروان	به فتح راه بی نقطه و تشدید قاف و الف و دال بی نقطه و هاء .
۲۷	فندسه	اطوال ابن سعید	لا	لا	لا	از جریدر و بروی افریقیه	به فتح قاف و سکون فاء و صاد بی نقطه و در آخرش هاء
۲۸	فونوس	ابن سعید رسم	لب	لب	لب	از آخر سوم	به ضم تاء دو نقطه فوقانی و سکون واو و ضم نون و در آخرش سین بی نقطه
۲۹	فابیس	ابن سعید	لب	م	لب	از افریقیه	به فتح قاف و الف و باء یک نقطه و در آخرش سین بی نقطه .

اوصاف واحبار حاتم

شهر قرقاوه مجموع بناهای تازه‌ای است در خارچ قیروان و در غربی آن «آل اغلب» آنجا را لنگرگاه کرده بودند. مهدی اولین خلفای قاطمی نخست در آنجا سکونت داشت، و چون شهر مهدی‌یته را بنا نهاد بدانجا نقل کرد، یکی از شاعران که گوئی به الوهیت او اعتقاد داشته، در این باره چنین گوید:

حل بر قاده المسیح حل بها آدم و نوح
حل بها الله ذوالبرایا وما سوا ذاك فهو ریح

ابن سعید گوید: قفصه قاعده مشهوری است. خرما و پسته دارد. در دیار مغرب جز در قفصه پسته یافته نشود انواع میوه‌ها و عطرها دارد. از آن روغن پنبشه و نخل العنصل به جای های دیگر برند.

تونس، قاعده افریقیه است. بر ساحل دریاچه شور است. دریاچه از دریا جدا شده. میان ساحل دریاچه که تونس بر ساحل آن است تا دهانه آن که به دریا می‌پیوندد ده میل است. و تونس نیز به همین مقدار از دریا دور است. گرداگرد آن دریاچه بیست و چهار میل است. صاحب «العزیزی» گوید: شهر تونس شهری است نیکو و قدیمی. آبش اندک است. و با هسان آب اندک زراعت کنند. و غلات بسیار به دست آید. [کوه تزغوان نزدیک به آن است، در جنوب غربی آن، با فاصله دوازده راه با آن. تزغوان به فتح زاه نقطه‌دار و سکون غین نقطه‌دار و فتح واو آنگاه الف و نون.]

قایس در افریقیه چون دمشق است در شام. دو نهر از کوهی که در جنوب آن است فرو می‌ریزد و از میان باغستان‌های آن می‌گذرند. در میان بلاد افریقیه تنها شهری است که از آن موز و حب العزیز و حنا خیزد. میان آن و دریا سه میل است. کشتی‌های کوچک به نهر آن داخل می‌شوند قایس در مشرق و جنوب صفاقس است ولی طول و عرضی که نقل شده خلاف این را گواهی دهد. فتأمل. صاحب «العزیزی» گوید: بر گرد آن باروئی است و خندقی دارد. و از آنجا تا نخلدیس که در جنوب آن است چهارده مرحله است.

شماره	نام بلد	ساخته	تعمیرات از تقویم های مسرانی و بلاد مترسب				ضبط نام تا	
			طول		عرض			
			درجه	دقیقه	درجه	دقیقه		
۳۰	قیروان	ابن سعید	لا	لا	لا	م	از افریقیه از سوم	به فتح قاف و سکون یاء دو نقطه تحتانی و فتح زاء بی نقطه و واو و الفخودر آخرش نون .
۳۱	سوسه	ابن سعید	لد	ی	لب	م	از افریقیه بر ساحل دریا از سوم	به ضم سین و سکون واو و فتح سین دوم و هاء
۳۲	مهدیه	ابن سعید	لا	لا	لا	ن	از افریقیه بر ساحل دریا از سوم	به فتح میم و سکون هاء و کسر دال بی نقطه . منسوب به مهدی .
۳۳	صفافس	ابن سعید	له	ن	لا	ن	از افریقیه بر ساحل دریا از سوم	به فتح صاد بی نقطه سپس فاء و الف و ضم قاف و در آخرش سین .

اوصاف و اخبار نامه

قیروان شهر جدیدی است، در صدر اسلام بنا شده. در جنوب کوه است و کوه در شمال آن. قیروان در صحرائی است برای پرورش اسبان عرب نیکو. در صدر اسلام قاعدهٔ آفریقیه بوده و امروز تابع تئوتس است آب آشامیدنی مردمش از چاه است. آب جاری ندارد. شهر در گودی است. صاحب «العزیزی» گوید: قیروان بزرگترین شهرهای مغرب است. باروئی عظیم داشت که آنرا زیاده الله بن الاغلب آنگاه که بر عمادبن محاله خروج کرد، ویران نمود. شرب مردمش از آب باران است. آب باران را زمستان در برکه‌های بزرگ که آن را ماحله گویند ذخیره کنند. روبه روی شهر وادی است که در آن آبی شور جاری است. مردم شهر آن آب را صرف کارهای خود کنند.

سوسه شهری است بر ساحل دریا، در جنوب شرقی تئوتس. مسلمانان از آنجا جزیرهٔ صیقیلیه را گشودند. شهر بر زمینی است در دریا پیش رفته. به سبب استیلاء عرب ویرانه مانده است. باروئی از خشت دارد. صاحب «العزیزی» گوید: میان مهدیته و سوسه دو مرحله است. و سوسه شهری است کهن بازارها و مهمانسراها و حمامها دارد. بر ساحل دریای شور است و آن حدی است بین کوره الجزایر و قیروان [ادریسی گوید: شهر سوسه شهری است آباد با مردم بسیار و بازرگانی‌ها. بازرگانان بدان شهر می‌آیند و با متاع‌هایی بی‌همانند از قبیل جامه‌ها و دستارهای سومی از آن خارج می‌شوند. با روئی استوار از سنگ دارد]

مهدیته شهری است از بناهای المهدی عبیدالله اولین «خلفای فاطمی» و آن در مشرق سوسه است. مهدی آنجا را کرسی مملکت آفریقیه ساخت. مهدیته بر روی زمینی است در دریا پیش رفته، چونان کف دستی که به ساعد پیوسته باشد. و دریا بر آن محیط است جز از آن طرف که خشکی است و آن راه باریکی است برای آمد و شد؛ چون سبته. مهدیته در مغرب صفاقس است. قصرهایی زیبا دارد و از آنها دریا را توان دید. مردم در مهدیته بر شکره‌ترین بناها را ساخته‌اند و آن یکی از شهرهای بزرگ آن دیار شده است.

صفاقس، شهری است در مشرق مهدیته با اندک میلی به جنوب. شهر کوچکی است و باروئی دارد. شرب مردمش از چاه‌هاست. بستان‌هایی اندک دارد. در سرزمینی است هموار. کوهستان در جنوب آن است میان آن و قنصه نیم مرحله است. آن کوه را جبل السبع گویند، به فتح سین بی نقطه و باء يك نقطه سپس عین بی نقطه. منقول از خط ابن سعید

ردیف	نام بلد	ساخته	سومین تقویم از تقویم‌های عسکری : بلاد مغرب				صیغ نام			
			طول		عرض	تعیین				
			درجه	دقیقه						
۳۳	توزر	ابن سعید	لا	لا	ک	ن	لا	از سوم	افریقیه از بلاد جرید	به ضم تاء دو نقطه فوقانی و سکون واو و فتح زاء نقطه دار و در آخرش راء بی نقطه (از شیخ عبدالواحد)
۳۵	طره	ابن سعید	لو	ک	ک	ک	ک	از سوم	افریقیه از بلاد جرید	به ضم طاء بی نقطه و نشدید راء بی نقطه و در آخرش الف (از عبدالواحد) و دیگری گفت : طره به تشدید راء
۳۶	اطرابلس غرب	ابن سعید رسم	لح	م	ک	ب	ب	از سوم	افریقیه	به فتح الف و سکون طاء بی نقطه و فتح راء بی نقطه و الف و ضم باء یاء نقطه و لام و در آخرش سین
۳۷	غنا	ابن سعید	لط	ی	ک	ی	ی	از چهارم	افریقیه	به فتح غین و ذال نقطه دار و الف و میم مسکون و سین بی نقطه .
۳۸	قصر احمد	ابن سعید	لط	ی	ک	ی	ی	از سوم	افریقیه	به فتح قاف و سکون صاد بی نقطه و راء بی نقطه و احمد نام کسی و معلوم

ادصاف و اخبار عامه

توزر ، قاعدهٔ بلاد قسطنطنیه است. نخلستانها دارد و نیز مرکبات . نهری بستان هایش را سیراب کند. ابن سعید گوید : توزر و بلاد آن جزیره‌ای است میان رمل و صحرا از آن کتان و حنا خیزد . از این حیث و نیز به سبب قلت باران به دیار مصر مانند . توزر از بلاد جرید است .

طره ، از بلاد جرید است. در آنجا شیشه‌های صاف سازند . ردهای صاف پشمی آنرا به اسکندریه برند طره قاعدهٔ بلاد نکراود است.

اطرا بلس ، آخرین شهرهائی است که در مشرق قیروان واقع شده. چون از اطرا بلس خارج شوی تا اسکندریه شهری که در آن حمام باشد نخواهی یافت . اطرا بلس شهری است بر ساحل دریا . بر سنگ ساخته شده شهری است پر نعمت . با کوره‌ای وسیع و استوار آب جاری ندارد. چاه‌هائی دارد و آبش خوردهائی . صاحب «العزیزی» گوید : اطرا بلس لنگرگاه کشتی‌هاست .

از غذامس پوست‌های گرانبها خیزد . شهر بر سر راه سیاه پوستان گانم است صاحب «العزیزی» گوید : غذامس شهری بزرگ و آباد است. در وسط شهر چشمه‌ای است باستانی و بر سر آن بنائی است عجیب از بناهای رومیان . آب از این چشمه فرومی‌ریزد و مردم آنرا به اندازه‌های معین میان خود تقسیم می‌کنند و با آن مزارع خود را مشروب می‌سازند. مردم غذامس قومی از بربر هستند. مسجد جامع دارند . رئیس ندارند و دعاوی خود را به مشایخشان رجوع کنند .

ابن سعید گوید : قصر احمد آخر حد افریقیه است از جانب مشرق و اول حد برقه است قصور مسراته در دوازده میلی آن واقع شده. از آنجا زیتون خیزد. نخل‌های بسیار دارد. مردم قصر احمد اسب به اسکندریه برند و حجاج را از آن اسبان فایده باشد. قصر احمد قریه‌ای است کوچک و برای عرب به مثابه مخزن غله است . از قصر احمد از راه یابان به برقه روند .

شماره	نام بلد	آخذ	چهارمین اعلیٰ از اعلیٰ مسرتی : بلاد اندلس				ضبط نام		
			طول		عرض				
			درجه	دقیقه	درجه	دقیقه			
۳۹	زویلہ	ابن سعید	اطوال	نط	۰	ل	۰	از اول سوم	از حوالی سوادن غرب از بلاد تفران به فتح زاء نقطه دارو کس واو و سکون یاء دو نقطه تحتانی و لام و هاء.
۴۰	بیرتھ	رسم	اطوال	مب	۰	لب	۰	از اول مغرب	به فتح باء يك نقطه و سکون راء بی نقطه و قاف و هاء.
۴۱	سرت	ابن سعید	اطوال	مز	۰	لا	۰	از اول مغرب	به ضم سین بی نقطه و سکون راء بی نقطه سپس تاء دو نقطه فوقانی.
۴۲	طلیمیش	ابن سعید	اطوال	مد	۰	لج	۰	از سوم	بندری بر قه است بر ساحل دریا همجو آرخانه به ضم طاء بی نقطه و سکون لام و فتح حمیم و سکون یاء دو نقطه تحتانی و تاء سه نقطه و در آخرش الف .

اصناف و اخبار ممالک

ابن سعید گوید: زویله قاعده بلاد قزان است. و آن واحه‌ای است دارای نخل و آب در صحرا. زویله تحت فرمان سیاهان است. در «المشترک» آمده است که: زویله رو به روی آفریقیه است. و نیز گوید: زویله شهر جدیدی است و آن برای مسیدیه بمنزله ربحض است. مهدی اولین خلفای علوی آن را ساخت و مسکن رعایای خود قرار داد و خود و سپاهیانش به مسیدیه ماندند. نیز زویله محله بزرگی است در قاهره. صاحب «العزیزی» گوید: زویله شهری است پرنخل و کشته. شرب مردمش از چاه‌هاست. [قزان به فاء و زاء نقطه‌دار]

بترقه بر سرزمینی است از جانب شمال در دریا پیشرفته. غالب بلاد بترقه بیابان بی آب و علف است. در بترقه آثار شهر بزرگی است که در قدیم آبادان بوده. در همه آن بلاد جز یک رودخانه نیست و نام آن رود درناست. ابن حوقل گوید: بترقه شهری است نه بزرگ و نه کوچک در زمینی است هموار و حوالی آن کوره آبادانی است. ابن سعید گوید: در آن نواحی به سبب استیلاء عرب شهر آبادانی نیست. صاحب «العزیزی» گوید: بترقه سرزمینی است خرم و وسیع. خاکش سرخ است. بادوی آن را هنوکل ساخته است.

ابن سعید گوید: سرت از قواعد قدیم است که نام آن در کتب آمده است. عرب آن را ویران ساخت و قصرهایی برای سکونت خود باقی گذاشت. سرت بر ساحل دریاست در آنجا دریا به جانب شمال پیچد و بیابان جنوبی به دریا منتهی شود. قیوم به مصر از این راه نزدیکتر باشد از راه ساحلی. المعزین المهدی الفاطمی چون آهنگ مصر کرد در صحراهای بین سرت و قیوم آبگیرهایی ترتیب داد.

طلمیثا فرضه‌ای مشهور است. در آنجا قصری است مسکن «یهودان» اینان تحت حکومت اعراب باشند. از آن جو و عسل به وسیله کشتی‌ها به بلاد دیگر برند. قصر الیهود که نام بردیم چون برجی است بزرگ و یهودیانی که تابع امروز در آن سکونت دارند از دو پست تن بیشتر نشده‌اند طلمیثا در حدود یک ماهه راه از اسکندریه فاصله دارد. کشتی‌ها در برابر قصر الیهود و نزدیک به آن لنگر می‌اندازند و اعراب برای داد و ستد بدانجا آیند.

ذکر جزیره اندلس

اندلس به فتح الف و فتح دال بی نقطه میانشان نون ساکن و ضم لام سپس سین بی نقطه، رو به روی بلاد مغرب است و میانشان دریای زقاق فاصله باشد. پهنای این دریا - از سبته - در حدود هیجده میل است.

اندلس به شکل مثلث است. رکن جنوب غربی آن شامل قادس و دهانه دریای زقاق است. و رکن شرقی آن شامل طرکوه است در شمال و برشکوه است در جنوب و نزدیک به برشکوه بنسبه و طرطوشه و کوه حاجز میان اندلس و ارض کبیر و جزیره میورقه است. و رکن سوم، رکن شمالی است با انحرافی به مغرب بر ساحل دریای محیط، در طول ده درجه و چند دقیقه و عرض چهل و هشت درجه. و در آنجا نزدیک به رکن مذکور شهر سنتیاقوه واقع شده. این شهر در شمال غربی اندلس و بر ساحل دریاست.

ابن سعید گوید: - نقلاً از ابن عبدالبر که اندلس یکی از ممالک سه گانه روم است. و مسیر هر مملکت از آن يك ماهه راه است. این سه مملکت عبارتند از قسطنطنیه و رومیه و اندلس و این سه مملکت بهم پیوسته است.

ابن سعید گوید: آنسوی اندلس از جانب شمال غربی، ارض کبیر است. و چون سه رکن اندلس را شناختی و دانستی که به شکل مثلث است

اینک سه ضلع آنرا نیز خواهی شناخت . بدین ترتیب :

ضلع اول : از رکن جنوب غربی است - یعنی از جزیره قادس - تا

رکن شرقی یعنی جزیره میورقه . این ضلع ، ضلع جنوب شرقی آندلس است بر ساحل دریای زُهاق .

ضلع دوم : از رکن شرقی مذکور است تا رکن شمالی یعنی

شنتیاقوه و این ضلع حد شمالی آندلس است بر دامنه کوه حاجز میان آندلس و ارض کبیر و ساحل دریای بردهیل .

ضلع سوم : از رکن شمالی مذکور است تا رکن جنوبی و این

ضلع ساحل غربی آندلس است بر دریای محیط .

از بلاد آندلس است :

اشبیلیه - اشبیلیه را کوره‌های بسیار است . که بیشترین آنها در

جنوب رود بزرگ آن است و کمترین آن در شمال آن رود . و از کوره‌های

آن است . اُرکش ، به‌راء بی نقطه در جنوب رود مذکور است و نیز کوره شریش

و کوره طریف و کوره جزیره الخضراء و کوره رنده همه در جنوب آن رود هستند .

شریش - شهری دلپسند است ؛ هم درون آن و هم بیرون آن . از کوره

شدوخه به‌شمار است ، بر ساحل دریای محیط در جنوب نهر اشبیلیه . نیز از کوره شدوخه است .

قلعه لاجون - لاجون قلعه‌ای است استوار . دارای تاکستانها و

بستانها و نهری خرد .

کوره ارکش - حصار ارکش در آنجاست و آن پناهگاهی سخت استوار

عباد در آنجا شورش کرد . کوره ارکش ، پر نعمت است .

کوره رنده - رنده یکی از قلاع آندلس است . بلند چنانکه همواره

تارك آن در ابر پوشیده باشد . با نهرهای عذب و گوارا .

کوره طریف - طریف شهر کوچکی است . رو به روی آن در دریا ،
جزیره طریف واقع شده . این جزیره منسوب است به طریف از موالی «بتی امیه»
و از کوره های اشبیلیه است در جنوب رود اشبیلیه ؛
کوره قرمونه - قرمونه شهری است و قلعه ای دارد در نهایت استواری
و بلندی .

شدونه - دیگر از کوره های اشبیلیه کوره شدونه است . این کوره
از حیث کشت و زرع و کثرت درختان بزرگترین کوره های اشبیلیه است .
شدونه در ساحل دریای محیط است .

جزیره قبطل - از مشهورترین اعمال اشبیلیه جزیره قبطل است .
قبطل جزیره ای است بزرگ در رود اشبیلیه . ولی به سبب نزدیک بودن آن به
دریای محیط آب اطراف آن شیرین نیست .

شهر طریانه - طریانه در آن سوی رود ، مقابل اشبیلیه واقع است .
سرزمینش مرتفع است . آن طرف از شهر که در ساحل رود است بارو ندارد
ولی بناهایی است بسیار زیبا و آراسته و سفید . چنانکه وقتی که نور خورشید
بر آن تابد چشم را خیره سازد . آبی که به طریانه می آید ، از آن رود نیست .
جزیره شنتبوس - پائین تر از طریانه و اشبیلیه ، جزیره شنتبوس
واقع شده و آن از بدایع متزهات رود اشبیلیه است که باغ های دلگشا
و نهرهای بسیار دارد .

اشبیلیه را دو کوره شمالی است . مشهور تر از دیگری کوره آوقنه
است در شمال رود . آوقنه شهری بزرگ و خوب است . از اعمال اوست
جزیره شلطیش ، در دریای محیط . در آن جزیره شهری است کوچک ولی
استوار . میان طریانه و اشبیلیه پل عظیمی است از چوب . این پل بر
روی چند کشتی ترتیب یافته است .

شَلَب - از نواحی مجاور اَشْبِيلِيَّة ، ناحیه شَلَب است . شَلَب کوره و شهری است در مغرب و شمال اَشْبِيلِيَّة بر ساحل دریای محیط . شهر شَلَب بر ساحل دریاست . و با هَرَطَبَه نه روزه راه فاصله دارد . شَلَب شهری است نیکو . و اشتهارش به سبب وجود ادبائی است که از آن برخاسته اند . معتمدین عباد در آن شهر پدید آمدند . و قصر الشراحیب که در باره آن گفته اند :

وَسَلَّمَ عَلَيَّ قَصْرَ الشَّرَاحِيبِ عَن فَتَى
لَهُ أَبَدًا شَوْقٌ إِلَى ذَلِكَ الْقَصْرِ
در شَلَب است .

فصل - از شهرهای آندلس است :

بِیَاسَه - بِیَاسَه بر ساحل نهر اَشْبِيلِيَّة است ، بالاتر از اَشْبِيلِيَّة . بِیَاسَه شهری است حاصلخیز و پر کشت و زرع . از آن زعفران خیزد و زعفران آن به جمله آفاق بیرند .

ابده - نَزْدِيكُ بَه بِیَاسَه شهر ابده است ، دوازده نهر اَشْبِيلِيَّة . چشمه ای دارد که به آب آن زعفران کارند . ابده شهری است اسلامی و در عهد دولت «امویان» آندلس ساخته شده .

در آندلس ، غزال و گورخر و بز کوهی فراوان است ولی شیر در آنجا دیده نشده و نیز کانهای مرمر به رنگهای خمری و سرخ و سفید و سیاه و سفید و غیر آن یافته شود .

حصن البیره - از آندلس است . از قواعد آن دیار . در عهد تسلط مسلمانان ویران گشت و غرناطه قاعده آن دیار گردید .

باجه - این سید گوید : باجه قلعه ای است در آندلس بر کوه شاره . این کوه آندلس را به دو بخش کند : بخش جنوبی و بخش شمالی . زیرا این کوه در وسط بلاد آندلس از مشرق به مغرب کشیده شده . رود طَیْطَلَه

از نزدیک باجه از کوه‌شاره بیرون آید .

سنت‌میریّه - از شهرهای مشهور دیگر آندلس، سنت‌میریّه است در مشرق آندلس و این غیر از شهری است بدین نام در مغرب آن دیار در جهت شیب .

فصل: طلیطله - مملکت طلیطله در شمال مملکت قرطبه است . طلیطله در شمال شرقی قرطبه و میانشان هفت روزه راه است . میان طلیطله و هر یک از قرطبه و غرناطه و مرسیه و بلنسیه نیز هفت روزه راه است . طلیطله شهری است استوار و خوش . درباره اوست گفته شاعر:

زادت طلیطله علی‌ماحدکوا بلد علیه نضارة و نعیم
الله زینة فوشح خصره نهر المجره والغصون نجوم

باجه مملکت باجه ، در شمال غربی آندلس و از قدیم ترین شهرهای آن دیار است ، سرزمینی است با کشت و زرع و گاو و گوسفند بسیار . عسل آن در نهایت خوبی است . آبش را در دباغی چرم خاصیتی است . مملکت باجه در مشرق اُسبونه است .

قلعه ریاح - از قلاع آندلس یکی قلعه ریاح است ، از مضافات طلیطله . چون پادشاه فرنگ طلیطله را گرفت قلعه ریاح را به قرطبه افزود . قلعه ریاح از قلاع استوار است .

لوشه - از اعمال غرناطه است شهر لوشه . در یک منزلی غرناطه . لوشه درون بستانها و باغهاست .

متمدین عباد از جانب پدر والی شیب شد . و در آنجا نیرو گرفت . شیب را اعمالی است . از آن جمله است : سنت‌میریّه و آن غیر از شهری است بدین نام در مشرق آندلس . از این سنت‌میریّه غربی جماعتی از فضلا برخاسته اند . منسوب بدان را سنت‌میری گویند .

شاطبه - از بلاد آندلس است ؛ شاطبه . و آن شهری است عظیم

و استوار . قلعه‌ای دارد در نهایت سختی . منزهات بسیار دارد . از آن جمله است : بَطْحَاء و مَحْدِیر و عَین التَّکْبِیر ، در جهت بَلْتَسِیَه . بیشتر اَنْدَلُس از تصرف مسلمانان خارج شده و به دست نصاری افتاده است .

پادشاهان اَنْدَلُس چهار تن هستند . یکی اذفونش است که عامه او را الفنش گویند و کشورش در حدود طَلِیْطَلَه است . و دیگر برجلونی که عامه او را برشلونی گویند و او پادشاه مشرق اَنْدَلُس است . سه دیگر بیوج و کشورش در جهت بَطْلِیْتِوس است به طرف شمال اَنْدَلُس و چهارم ، ابن الریق است که پادشاه مغرب اَنْدَلُس و جَلِیْقِیَه است .

آنچه در دست مسلمانان باقی مانده ، ناحیه غَرْمَاطَه است و مضافات آن چون : جزیره الخضراء و مَرِیْه . حکمران این ناحیه ابن الاحمر است . ابن الاحمر همواره مقهور فرنگیان است و کسی را که به یاریش برخیزد ندارد .

کوه بَرْت - کوه بَرْت حد اَنْدَلُس است در جانب شرقی و حاجزی است میان اَنْدَلُس و ارض کبیر .

اَنْدَلُس را از سه سو آب فرا گرفته و تنها راهی که به خشکی دارد از همین سو است . از این رو است که آنرا جزیره خوانند . این کوه از دریای زُحَاق تا دریای محیط کشیده شده و درازای آن چهل میل است . گویند درازای اَنْدَلُس از مشرق به مغرب آن ، یعنی از اَشْبُونَه در مغرب - تا اَرْبُونَه - در مشرق - شصت روز راه است . و به قولی يك ماه ونیم . و این درست تر است .

ابن سعید گوید : نقلاً از حجازی - که درازای اَنْدَلُس از کوه بَرْت که حد فاصل میان اَنْدَلُس و ارض کبیر است - در نهایت شرقی آن دیار - تا اَشْبُونَه که حد غربی آن است هزار و افد میل است . اما پهنای آن -

از وسط - از دریای زقاق تا دریای محیط ، شانزده روزه راه است . و این نزد کَلْبِيَّة و کوه بُرْت است که آن را حاجز گویند .

و همو گوید که : کوه بُرْت را ابوابی است از محدثات قدما . بدان سبب که میان آندئس و ارض کبیر از خشکی راهی باز کنند .

ابن سعید گوید : اولین عمارت از اقلیم ششم بر ساحل دریای محیط کنیسه الغراب است . این کنیسه نزد ملاحان مشهور است . و از آنجا تا جودائس در خلیج غبری چهل میل باشد . و در آنجا قصری است به همان نام . در زمان ما ، میان صلیب پرستان و مسلمانان در کنیسه الغراب حربی واقع شد . آنجا پایان ثغور اسلام است در آن جهت . و از آنجا تا مصب رود بزرگ اشبونه که بر طَبِيَّة می گذرد ، چهل میل است . مسافران نقل کرده اند که پهنای آن رود در مصب خود به ده میل رسد .

بر کوه ساره که از مشرق به مغرب آندئس کشیده شده قلعه های بسیار است . نام این قلعه ها همه اعجمی است . و از آن جمله است : قلعه مائده . و گویند مائده سلیمان علیه السلام در آن قلعه محفوظ بود . چون طارِقُ طَبِيَّة را گشود آن مائده برگرفت .

بلد جالقه - سرزمین جلالقه همه اش جلگه است . و بیشتر ریگزار . قوت غالب مردمش ارزن و ذرت است مردمش فرومایه و ناپاک باشند . چنانکه در سال نظافت نکند و خود را نشویند مگر يك یا دوبار . آنهم با آب سرد . و از جامه های خود از آن هنگام که پوشند تا پاره پاره شود شوخ باز نکنند . اما بس دلیر و پایدار باشند چنانکه چون در حرب آیند کشته شوند و نگریزند .

ردیف	نام	آخذ	چهارمین اقیم از اقیم های عسری و بلاد اندلس				ضبط نام
			طول		عرض		
			درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	
۱	اشبونه	ابن سعید	ز	نه	ص	م	به ضم همزه و سکون شین نقطه دار و ضم باء يك نقطه، سپس واو و فون و در آخرش هاء برخی از مسافران گفتند لشبونه، به لام.
۲	شنتردین	ابن سعید	ح	ی	ب	نه	به فتح شین نقطه دار و سکون نون و کس ثاء دو نقطه فوقانی و اء بی نقطه و سکون باء دو نقطه تحتانی و در آخرش نون (ضبط آن را به خط ابن سعید چنین یافتیم.)
۳	جزیرة الخضراء	قیاس	ط	۰	س	ن	به فتح جیم و کس زاء نقطه دار و سکون باء دو نقطه تحتانی و راء بی نقطه و هاء و خضراء مؤنث اخضر.

ادعای و اخبار عامه

روبروی اشبوتنه، در شمال دریاچه‌ای است شور و در مغربش نیز همچنان دریاچه‌ای شور است. اشبوتنه قاعده مملکتی است بر ساحل دریای محیط در مغرب و شمال اشبیلیه. اشبوتنه شهری است کهن در مغرب باجه. آن را بستانها و میوه‌های نیکو است و از این حیث بر دیگر شهرها برتری دارد و بازهای آن نیکوترین بازهاست اخیراً از توابع بطلیوس بود. ابن‌الافطس آن را تصرف کرد. از اعمال اشبوتنه است شهر شنتره. در شنتره سیب‌های درشت و لذیذ یافته شود. ابن سعید گوید: از اشبوتنه تا دریای محیط سی میل است. و آن بر کنار رود یودانیس است.

شهر شنترین بر ساحل دریای برطانیه است. این دریا پشت رکن شمالی آندلس است. از دریای محیط به جانب شرق بیرون آمده است. من می‌گویم: دریای برطانیه همان دریای بُردیل است که در آغاز کتاب ذکر آن با ذکر سایر دریاها گذشت. شنترین بر کناره رودی است که در همان دریا می‌ریزد. خاکش خوب و حاصلخیز است. حکام آن از جانب اشبوتنه می‌آیند. بچه از توابع آن شهر است. شنترین در مغرب باجه است. و اگرچه از جلیتیقه است شرح آن را به آندلس پیوستیم. ابن سعید گوید: شنترین از قراء مشهور جلیتیقه است.

جزیره الخضراء شهری است روبروی سبته در برجنوبی آندلس. جایی خوش و مصفی است. از شهرهای ساحلی است. چنانکه باروی آن مشرف بر دریاست. و لنگرگاهش نیکوترین لنگرگاهها است. زمینش جای کشت و پرورش دامهاست. در بیرون از شهر آب‌های جاری و بستانهای سبز و خرم دارد. رودخانه‌اش به وادی العسل معروف است. مشرف بر رودخانه و دریا جایی است مصفی معروف به حاجبیت و از منزهات آن یکی نیقا است. ابن سعید گوید: جزیره الخضراء زیباترین و نیکوترین شهرهاست و اهل خود را بهتر از هر شهر دیگری دارد. و بیش از دیگر شهرها از مواهب دریا و خشکی برخوردار است. در «المشترک» آمده است که: منسوب به آن را جزیری گویند نامیان آن و جزیری که منسوب به اقلیم الجزیره است فرق باشد.

ردیف	نام بند	ساخته	سویین اعظم از تقویم ای عسرنی : بلاد مغرب				ضبط نام	
			طول		عرض			
			درجه	دقیقه	درجه	دقیقه		
۴	خطیوس	ابن سعید	ط	۰	لح	ن	از مغرب اندلس از چهارم	به فتح باء يك نقطه تحتانی و طاء بی نقطه و سکون لام و فتح یاء دو نقطه تحتانی و سکون واو و در آخرش سین بی نقطه .
۵	مارده	قانون ابن سعید	ی	۰	لح	ط	از مغرب اندلس و جلیقیه از اول پنجم	به فتح میم پس الف و راء بی نقطه مکسور و دال بی نقطه و در آخرش هاء. (ضبط به خط ابن سعید است) .
۶	اشبیلیه	قانون ابن سعید	ح	ن	لح	ن	از جنوب غربی اندلس نزدیک محیط از چهارم	به کسر الف و سکون شین نقطه دار و کسر باء يك نقطه تحتانی و سکون یاء دو نقطه تحتانی سپس لام ویاء دوم و در آخرش هاء.

ادصاف و اخبار عامه

بَطْلِیُوس قاعدهٔ مملکتی است. و مملکت آن در شمال و غرب قُرطَبه است و در جنوب غربی مملکت طَلِیْطَه. میان بَطْلِیُوس و قُرطَبه شش روزه راه است. بَطْلِیُوس شهر بزرگی است بر کنارهٔ رودی در سرزمینی گشاده و هموار و مرصع حکمران آن: الملوکل بن عمر بن الافطس بناهای عظیم در آنجا ساخته است. شهری جدید و اسلامی است این القلاس در وصف آن گوید:

بطلیوس لانساک ما اتصل البعد فله غور من جنابك ام نجد
ولله دوحات تحفك بينها تفجر وادبها کما شفق البرد

از افعال مشهور بَطْلِیُوس شهر یا بَره است به یاء آخر حروف و الف و باء يك نقطهٔ تحتانی و راء بی نقطه و هاء.

شهر مارده بر جنوب نهر بَطْلِیُوس و از افعال همان شهر است. مارده شهری است یامستانی. آبی بدانجا کشیده اند که صنعتش موجب حیرت شود این سعید گوید که: دازی گوید: شهر مارده یکی از قواعدی است که ملوک عجم بنا کرده اند تا در آن سکونت گیرند و از آثار قلدرشان آنکه آبی بدانجا کشیده اند و بناهایی بر آن بر آورده اند که صنعتگران از ساختن چنوبی عاجز شوند. قبل از اسلام، پادشاهان اندلس آنرا تختگاه خود ساخته بودند در عهد دولت «بنی امیه» اکابر آن خاندان بر آن دیار ولایت می یافتند و سپس بَطْلِیُوس را کرسی مملکت خود ساختند. مارده امروز در تصرف نصاری است. حکایت کنند که در کنیسه اش سنگی بود که اطراف خود را روشن می کرد و چون اعراب به آن کنیسه درآمدند آن سنگ را بر گرفتند.

اشبیلیه در مشرق و جنوب رود عظیم اشبیلیه است و ماقبلا از آن رود یاد کردیم. از قواعد اندلس به شمار است. پانزده دروازه دارد. در جنوب و غرب اندلس است. و در مغرب مملکت قُرطَبه. میان اشبیلیه و قُرطَبه چهار روزه راه است. درازای مملکت اشبیلیه، از مغرب، از آنجا که رود اشبیلیه به دریای محیط می ریزد. تا مشرق؛ تا بالای آن رود که پهلوی مملکت قُرطَبه است در حدود پنج مرحله است. و پهنایش از جزیره الخضراء بر ساحل جنوبی اندلس تا مملکت بَطْلِیُوس در شمال پنج روزه راه است. اشبیلیه شهری است کهن و آن به معنی شهر گسترده است.

ردیف	نام کتاب	آخذ	چهارمین از عظیم‌های عربی : بلاد اندلس				ضبط نام با
			طول		عرض		
			درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	
۷	قرطبه	قانون ابن سعید رسم	ح ی ط	۴ ۰ ک	۳۰ ۰ ک	از جنوب غربی اندلس از اواخر چهارم	به ضم قاف و سکون راء بی نقطه و ضم طاء بی نقطه و باء یک نقطه و در آخرش هاء (از اللباب) من می گویم و مشهور همین است ولی ابن سعید از جماعتی روایت کند که مردم قوط آن را به ظاء نقطه دار خوانند .
۸	مائقه	قانون قیاس ابن سعید	ی ی	ک ن	ح ن	از جنوب اندلس از چهارم	به فتح میم و الف و کس لام و فتح قاف و در آخرش هاء
۹	مدینه و لید	ابن سعید	با یب	ح ح	ح ح	پنجم از اندلس از اواخر	ولید به فتح وار و کسر لام و سکون یاء و نقطه تحتانی میم دال بی نقطه .

اصناف و اخبار طاب

قَرطَبَه بر کناره غربی رودی است که اشبیلیه بر کناره آن است. قَرطَبَه در مشرق اشبیلیه است و او در جنوب و مشرق مملکت بَطَلِیوس واقع شده و بَطَلِیوس در جنوب مملکت طَلِیظَلَه و ظَلِیظَلَه در فاصله هفت روزه راه در شمال شرقی قَرطَبَه . گرداگرد قَرطَبَه سی هزار ذراع است . و آن از بزرگترین شهرهای اندلس به شمار است. شهری است با یاروئی استوار از سنگ. مساجدش به هزار و شصت رسد. نهصد حمام دارد. شهر را چهار دروازه است . المناصر احوی در مغرب آن مدینه انزهراء را بر دامنه کوه بنا کرد . از اعمال مشهور آن کوره قَصِیر است . و آن قلعه‌ای است در مشرق قَرطَبَه بر کنار رود . و نیز از مشهور ترین اعمال آن حصن المدور است که لشکر گاهی عظیم است . و در میان به آن توجه بسیار دارند . و همچنین حصن مَرَاد در مغرب قرطبه است . از اعمال قَرطَبَه کوره عافیق است که از توابع بزرگ آن به شمار است و نیز کوره استیجه .

مملکت مالقه در جنوب قرطبه است . و میان آن و قَرطَبَه در حدود پنج روزه راه است . مملکت مالقه بین مملکت اشبیلیه و غرناطه بر ساحل دریای زقاق در قسمت جنوبی اندلس واقع شده است . از آنجا انجیر و بادام بسیار خیزد . از اعمال مالقه شهر ایلشیش است . و آن شهری بزرگ است در مشرق مالقه . در همه اعمال مالقه شهری چنونیست . نهری دارد . از بهترین نهرها . از منزهات مَرِیثَه یکی منی عبَدوس و دیگری مینی غسان و سه دیگر بركة الصفر است . و از اعمال آن حصن شینش است در چهار منزلی آن و از آنجا حریر بسیار خیزد . و از اعمال مالقه نیز حصن زحایه است و حصن یزلیانه بر ساحل دریای زقاق و حصن مورور است در مغرب آن و از اعمال سهیل که عبدالرحمن بن عبدالله السهیلی اعمی صاحب کتاب «روض الانف» از آنجا بود . سهیلی در کتاب «روض الانف» کتاب «السیره النبویه» ابن هشام را شرح کرده است . ابلشیش به همزه و کسریاء يك نقطه تحتانی و تشدید لام و سپس یاء آخر حروف و شین نقطه دار و شینش به دوشین نقطه دار و نون میان آن دو و یزلیانه به یاء يك نقطه و زاء نقطه دار ساکن و مورور به فتح میم و سکون و او و راه بی نقطه ، میانشان و او .

مدینه ولید ، از نیکوترین شهرهاست . الفنسلی پادشاه فرنگ ، بیشتر اوقات خود را در آن می گذراند . بیش از سه نهر دارد و آن در جنوب کوه شاره است که اندلس را به دو نیمه می سازد . مدینه ولید در مغرب طَلِیظَلَه است .

ردیف	نام بیلد	آخذ	چارمین عظیم از عظیم های مسرتی و بلاد اندلس				ضبط نام؟
			طول		عرض		
			درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	
۱۰	جیان ابن سعید یا	م	لح	نز	از اول پنجم از اندلس	به فتح جیم و تشدید یاء دو نقطه تحتانی و الف و در آخرش نون. مملکت جیان میان غرناطه و طلیطله و مرسیه است.	
۱۱	غرناطه ابن سعید یا	م	لز	ل	از چهارم از اندلس	به فتح غین نقطه دار و سکون راء بی نقطه و نون و الف و طاء بی نقطه و در آخرش هاء.	

اوصاف و اخبار آن

جیان شهری است بس منیع و استوار در مشرق قرطبه و با آن پنج روزه راه فاصله دارد. بلاد جیان را چشمه های بسیار است و نیز محصولات فراوان دارد چه خاکش خوب و حاصلخیز است. از آنجا حریر بسیار خیزد. جیان از بزرگترین شهرهای اندلس است. از دیگر شهرهای آن دیار پر نعمت تر و استوارتر است؛ چنانکه مسیحیان بدان دست نیافتند مگر پس از محاصره ای طولانی که در نتیجه آن ابن الانصر حکمران غرقاطه شهر را تسلیم کرد. از اعمال جیان است: شهر قیجاطه. قیجاطه شهری خوش و پر نعمت است. مسیحیان آنرا به زور شمشیر گرفتند. دیگر از اعمال جیان شهر تیماسه است و از آن زعفران بسیار خیزد و نیز حصن شقیوره و جبل سمنتان است در سمنتان قراع و قلعه های بسیار باشد. دیگر از اعمال جیان شهر اشته است، مجاور تیماسه، و نیز شهر بسطه است و قلعه برشانه

رناطه، در نهایت استواری است. مملکت آن در جنوب و مشرق مملکت ن. میان غرقاطه و قرطبه در حدود پنج روزه راه است. شهری است در نهایت طراوت و خرمی. همانند دمشق. ولی از آن جهت که شهر غرقاطه بر غوطه آن مشرف است بر دمشق برتری دارد. از جانب شمال باز است. رودهایش از جبل الثلج که در جنوب آن واقع شده فرو می ریزد. رودهایش از میان شهر می گذرند و آسیابها را به گردش می دارند. آن را قلعه ای است بس رفیع و تسخیرناپذیر. درختان میوه دار و جویبارهایش تا مسیر دو روزه راه در پیش چشم است و چیزی نیست که آنها را از دیده پوشاند. رود بزرگش را شینیل خوانند. از اعمال غرقاطه حصن شلوپینی است. این حصن از حصن های بحری است. و در دریای زقاق بنا شده. از اینجا است؛ ابوعلی عمر بن محمد الشلوپینی امام نحویان مغرب. من می گویم؛ آنها که می گویند شلوپینی به لغت مردم اندلس به معنی سرخ مو است در غلط افتاده اند. از اعمال غرقاطه بلده باغه است که آب فراوان دارد. و آبش را خاصیتی است که بسته شود چون سنگ. از آنجا زعفران و انگور فراوان خیزد. از اعمال غرقاطه قلعه سعديه است که حجاری کتاب «المشهب» را به نام حکمران آن، عبدالملک تألیف کرد. قلعه سعديه رباط جهاد است.

ردیف	نام محل	آخذ	چهارمین اقلیم از اقلیم های مسرتی، بلاد اندلس				ضبط نام
			طول		عرض		
			درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	
۱۲	مریة	قیاس	۷۵	۰	۳۰	۰	از اندلس میان مالقه و مرسیه به فتح میم و کس راء بی نقطه و تشدید یاء دو نقطه تحتانی و در آخرش هاء
۱۳	طیطة	قانون ابن سعید	۷۵	۰	۳۰	۰	از اندلس از آخر پنجم به ضم طاء بی نقطه و فتح لام و سکون یاء دو نقطه تحتانی و کس طاء دوم سپس لام و هاء
۱۴	وادی الحجارة یا مدینه فرج	قانون ابن سعید	۷۵	۰	۳۰	۰	از اندلس ثغر جلیقه از آخر پنجم فرج به فتح فاء و راء بی نقطه سپس جیم

اوصاف واحجار عامه

مویه شهری است صاحب بارو بر ساحل دریای زقاق و آن دروازه مشرق و کلید رزق مردم آن نواحی است. بری میمگون و ساحلی زرین و دریائی زبرجدین دارد. باروهایش بلند و قلعه اش استوار است و هوایش معتدل. در آنجا حریری بافتند که بر حریر دیگر جایها برتری دارد. از اعمال آن قلعه بتجائنه است، در شش میلی آن و حصن برشائنه و حصن شینیش و شهر بترجته و شهر اندرش. بتجائنه به باء يك نقطه و جیم و الف و نون و هاء، شهری است جدید و اسلامی. پیش از این مقر والی بود، سپس کم کم فاتوان شد و میریته نیرومند گشت تا آنجا که بتجائنه تابع آن گردید.

طلیطله قاعده اندلس است و آن در مشرق مدینه تولید است. طلیطله بر کوه بلندی است و از تسخیر تا پذیرترین و استوارترین بلاد است. رودی دارد که بر بیشتر آن می گذرد. شهری است کهن به معنی (تو خوشحال هستی) از آنجا تا نهایت اندلس از جانب مشرق قریب پانزده روزه راه است. و همچنین تا دریای محیط از جانب شیب که پایان اندلس است از جانب مغرب. درختان از جانب طلیطله را در میان گرفته اند. جلنار آنجا به قدر انار دیگر جایها گردد و در آنجا درخت هرگونه میوه است. رود طلیطله از قلعه ای در آنجا به نام قلعه باجه سرازیر می شود و رود را بدان نامند و گویند: رود باجه.

ابن حوقل گویند: شهر وادی الحجاره نزدیک به شهر سالم است. ابن سعید گویند: شهر فرج در مشرق طلیطله واقع شده. رودش را وادی الحجاره گویند. و شهر سالم در مشرق آن قرار دارد.

ضبط نام	چهارمین ایتم از ایتم های عربی : بلاد اندلس				آخذ	نام بلد	رتبه
	عربی	ایتم عربی	عربی				
			دقیقه	درجه			
به ضم میم و سکون راء بی نقطه و کسر سین بی نقطه سپس یاء دو نقطه تحتانی و در آخرش هاء. مرسیه از مملکت تدیس است.	از مشرق اندلس	از اوایل پنجم	ک ی	ن ط ۰	قانون ابن سعید	مرسیه	۱۵
مدینه معلوم است و سالم به سین بی نقطه و الف و لام و میم.	از مشرق اندلس	از اوایل پنجم	۰	م ۰	ابن سعید یح	مدینه سالم	۱۶
به فتح دال بی نقطه و الف و کس نون سپس یاء در نقطه تحتانی و هاء	از مشرق اندلس از اعمال بلنسیه	از اوایل پنجم	و	ط ی	ابن سعید یط	دائیه	۱۷
به فتح باء يك نقطه و لام و سکون نون و کسر سین بی نقطه و فتح یاء دو نقطه تحتانی و در آخرش هاء.	از مشرق اندلس میان دو مرسیه	از اوایل چهارم	و	ط ۰	ابن سعید ك	بلنسیه	۱۸

اوصاف واحبار عامه

مُرسیّه شهری جدید و اسلامی است. در زمان امویان اندلس بنا شده. در مشرق اندلس است و از حیث کثرت متزهات و بستانها به اشبیلیّه مانند. در مغرب اندلس. مُرسیّه بر ضلع شرقی سرچشمه رود اشبیلیّه است. از قواعد مشرق اندلس به شمار است. از متزهات اوست: رشاقه و زققات و کوه ایل. در دامنه‌های کوه ایل بستانها و مزارع و چشمه سارهاست. از اعمال مُرسیّه است، موله در مغرب آن و نیز اریئوله. و نیز حرثه. حرثه جائی است خوش منظر بر کناره رود مُرسیّه. حرثه به کسر حاء بی نقطه و راء بی نقطه و تشدید لام مفتوح سپس هاء

شهر سالیم قاعده و ثغر اوسط از اندلس است. شهری است بزرگ. قبر منصور بن ابی عامر آنجاست. ابن سعید گوید: شهر سالیم در جانبی است مشهور به ثغر از طرف مشرق اندلس و آن شهری بزرگ است.

شهر دائیه در مغرب بتنسیّه است. شهری است بزرگ بر ساحل دریا، پر خیرات. از اعمال آن به شمار است: حصن یکتوران و حصن بسیران. یکتوران به ضم یاء آخر حروف و فتح کاف و سکون تاء دو نقطه فوقانی و راء بی نقطه سپس الف و نون. بسیران به فتح باء یک نقطه تحتانی و سکون یاء دو نقطه تحتانی و راء بی نقطه سپس الف و نون.

بتنسیّه بر ساحل دریاچه‌ای است که رودی که از شمال شهر می‌گذرد در آن می‌ریزد. در مشرق اندلس واقع است. گرداگرد شهر را رودها و باغ‌ها فرا گرفته. در آنجا جز نعمات دل‌انگیز مرغان نتوان شنید و جز جویبارهای خروشان نتوان دید. دریاچه‌ای زیبا دارد. نزدیک به دریای زقاق است. چون از شهر بیرون آیی همهجا تفرجگاه‌هاست. در مشرق مُرسیّه است و مغرب طرطوشه. از مشهور ترین متزهات آن رصافه است و عنیه ابن عامر و از اعمال آن شهر شاطیبه است. شاطیبه شهری است استوار. ابن سعید گوید: بتنسیّه از دیگر شهرهای اندلس روشن‌تر است. آسمانش همواره صاف است. چنانکه هرگز چیزی که آن را تیره کند در آن دیده نشود.

رقم	نام بلايه	آخذ	چهارمين اعليم از اعليم هاي عسري : بلاد اندلس				صیغ نام ها
			طول		عرض		
			درج	دقیقه	درج	دقیقه	
۱۹	قطیفه	ابن سعید ک	ل	م	ن	به ضم تاء دو نقطه فوقانی و کسر طاء بی نقطه و سکون یاء دو نقطه تحتانی و فتح لام و در آخرش هاء .	
۲۰	سرقسطه	ابن سعید ک	ل	م	ل	به فتح سین بی نقطه و راء بی نقطه و ضم قاف و سکون سین دوم و فتح طاء بی نقطه و در آخرش هاء .	
۲۱	بندبک	ابن سعید ک	ه	م	۰	به فتح یاء دو نقطه تحتانی و سکون نون و ضم باء یک نقطه و لام و سپس واو ساکن و نون مفتوح و هاء .	
۲۲	طروطیه	ابن سعید ک	م	ن	۰	به ضم دو طاء بی نقطه میانشان راء بی نقطه ساکن سپس واو ساکن و شین نقطه دار و در آخرش هاء .	

اصناف و اخبار خانه

شهر تَطِیلَه در جنوب کوه شاره است و آن از نغریهای نزدیک شهر سالیسم و سَرَقِسطَه است. زمینش برای کشاورزی مرغوب است. شهری است جدید. در عهد «بنی مروان» ساخته شده. ابن سعید گوید: شهر تَطِیلَه از شهرهای بزرگ نغر شرقی آندلس است.

سَرَقِسطَه قاعده نغر اعلی است. در سرزمینی است خوش. شهری است نیکو و بزرگ. بستان های زمردگونش آن را در میان گرفته اند. چهار نهر دارد که از اطراف بر آن محیط هستند و بدان سبب باغهایش به انواع گلها و ریاحین مرصع است. شهری است کهن. از مترهات آن، جلقین و قصرالتسور و مجلس الذهب است. ابن هود در ابیاتی که در توصیف آن دیار سروده چنین گوید:

قصرالتسور و مجلس الذهب بکما بلغتْ نهایة الطرب

ابن سعید گوید: در مشرق آندلس آن جانب که به نغر معروف است شهرهای بسیار و کرسی های مشهور است.

ینبلونه شهری است در مغرب آندلس، پشت کوه شاره و آن قاعده نبری یکی از ملوک فرنگ است.

شهر طرطوشه در مشرق بلنیه است. طرطوشه در مشرق رود بزرگی است که از سَرَقِسطَه می گذرد و در دریای زقاق می ریزد. این مصب ده میل با طرطوشه فاصله دارد. جزیره مایرکه در دریای زقاق واقع شده. ابن سعید گوید: از کرسی های پادشاه مشرق آندلس شهر طرطوشه است.

رقم	نام بلد	ماخذ	پہارین اہم از اہم ہائی عسری : بلاواندلس				ضبط نام
			طول		عرض		
			درجہ	دقیقہ	درجہ	دقیقہ	
۲۳	لارندہ	ابن سعید	کب	م	مب	ل	از مشرق اندلس از اواخر پنجم بہ لام والفاء بی نقطہ منکسور و دال بی نقطہ مفتوح و در آخرش ہاء (ابن سعید)
۲۴	طرقونہ	ابن سعید	کج	ک	مج	کب	از اندلس از نہایت پنجم بہ فتح طاء بی نقطہ و راہ مشدد بی نقطہ و ضم کاف وسکون وار سپس نون مفتوح و ہاء .
۲۵	ہیکل الزہرہ	ابن سعید رسم	کد	بد	مج	مب جا	از حد شمالی اندلس از اواخر پنجم معروف
۲۶	جروشونہ و بہقولی جروشونہ	ابن سعید	کد	ل	مب	ج	بیرون از اندلس از بلاد فرنگ از اواخر پنجم بہ فتح باء یک نقطہ و سکون راہ بی نقطہ و فتح شین نقطہ دار و ضم نون وسکون وار سپس نون مفتوح و ہاء .

ادمانت و اخبارها

لاِردَه در مشرق رودی است که به رود سَر قَسَطَه می ریزد . در مشرق لاِردَه است کوه بُرت . این کوه میان اندلس و ارض کبیر فاصله است . لاِردَه شهری است کهن و از قواعد مشرق اندلس . آبی دارد که از قنات‌ها می آید و در ساختن آن چنان صنعتی به کار رفته که همهٔ جهانیان از آن عاجزانند . این سعید گوید : شهر لاِردَه از شهرهای بزرگ ناحیهٔ مشهور به ثمر در مشرق اندلس است .

طَر کَوْنَه، از آخرین شهرهای ساحلی اندلس است و در جنوب غربی آن.

هَیْکَلُ الثُّهْرَه ، حد اندلس است از جانب مشرق و شمال . این هیکل را مردم این دیار قبل از نصرانیت پرستش می کردند . و آن بردامنهٔ کوه بُرت است و بر ساحل دریای زقاق .

بَرَشَلُونَه نزدیک اندلس و نزدیک طَر طَوْشَه است . ما آن را به اندلس پیوستیم به سبب نزدیک بودنش به آن اگرچه خارج از آن است . بَرَشَلُونَه قاعدهٔ ملکی است از ملوک فرنگ که آن را بَرَشَلُونِی گویند . بَرَشَلُونِی از طایفه‌ای است از فرنگ به نام «کبطلان» . بَرَشَلُونَه از جملهٔ شهرهایی است که به دست مسلمانان گشوده شد و بار دیگر کفار آن را باز پس گرفتند .

ردیف	نام جمله	آخذ	چهارمین عظیم از عظیم‌های عربی و بلاد اندلس				ضبط نام ها
			طول		عرض		
			درجه	دقیقه	درجه	دقیقه	
۲۷	ارجونه	ابن سعید	کز	ج	مج	لا	به قولی از اندلس و به قولی بیرون از آن از او اواخر پنجم به ضم همزه و سکون راء بی نقطه و ضم باء یک نقطه و سکون و ارسس فون مفتوح و هاء .
۲۸	شنت یاقو	ابن سعید	ط	.	مط	ج	از اندلس و در العزیزی از جلیقه است از هفتم مشهور، به شین نقطه دار و نون و تاء دو نقطه فوقانی سپس یاء دو نقطه تحتانی و الف و قاف و واو در آخرش.
۲۹	جلیقیه و قاعده آن سموره	ابن سعید اطوال	لی	.	مو	.	به کسر جیم و لام مشدد و بعد از آن یاء و قاف (اللیاب) من می گویم ، سپس یاء دوم و هاء . قاعده جلالته از هشتم

اصناف و اخبار عامه

در جنوب اربوته دریاچه‌ای است متصل به دریای زقاق . پایان فتوحات موسی بن نصیر در اندلس ، اربوته بود . و این شهر به عنوان دور ترین ثغور مسلمانان در اندلس باقی ماند . و از آنجا که به جانب مشرق رویم بلاد فرنگ است و بلاد لاتبردریه و غیر آن . اربوته در پایان قسمت شرقی است ، همچنانکه اربوته در پایان قسمت غربی است .

ابن سعید گوید : [و در شمال و مغرب شهر ثیون شهر شنت یاقو است . گور یاقو از حواریان مسیح آنجاست . این شهر را در نزد نصاری ارج و شأن بسیار است] شنت یاقو بر ساحل دریاست . رودهایی که در اطراف آن جاری است از کوهی که بر جانب شرقی آن است جاری می‌شود . صاحب «العزیزی» گوید : شنت یاقو شهری است بزرگ از شهرهای «جلالقه» و میان آن و دریای محیط يك روزه راه است .

صاحب «اللباب» گوید : جیلیقیته شهری است از بلاد روم تحت فرمان اندلس یکی از جغرافیا نویسان گوید : سَمُوَرَه قاعده «جلالقه» است و آن شهری است بزرگ و ارجمند در نزد ایشان . ابن سعید گوید : سَمُوَرَه قاعده جیلیقیته است . سَمُوَرَه بزرگترین «فنش» است و آن در جزیره‌ای است میان دو شعبه از رود سَمُوَرَه . نام این شهر در ذکر جنگ‌های المناصر مروانی و منصور بن ابي عامر آمده است . مسلمانان نخست آن را تصرف کردند و سپس مردم جیلیقیته آن را به آشوب بازپس گرفتند . مصب رود آن در دریای محیط در طول ل از جزایر خالیدات و عرض مواست . صاحب «العزیزی» گوید : سَمُوَرَه شهر بزرگی از «جلالقه» و مقر پادشاهان باشد .

ضبط نام	پنجادین ایدیم از ایدیم های مسرتی و بلاد اندلس				آخذ	نام بلد	شماره		
	ایدیم عربی	ایدیم عربی	عربی						
			دقیقه	دقیقه					
به سین بی نقطه و لامومیم و نون سپس کف و هاء در آخرش .	از بلاد قلمریه	از ششم	.	مه	ک	ز	ابن سعید	سلمنکه	۳۰
به فاف مضموم و واو و راه بی نقطه سپس یاء دو نقطه تحتانی و هاء در آخرش .	قاعده آن بلاد است	از ششم	.	مد	ل	ح	ابن سعید	قوریجه	۳۱
به لامویا عدو نقطه تحتانی و واو و نون در آخرش .	از بلاد جلالقه	از هفتم	.	مو	ل	ی	ابن سعید	لیون	۳۲

اوصاف و احبار عامه

ابن سعید گوید : شهر سلمنکه در شمال رود قلمریته است و میان آن و شهر قلمریته، قاعده غلیسیه دو مرحله است و قلمریته در مشرق آن واقع است .

ابن سعید گوید : شهر قونیه در جنوب کوه شاره است . در عهد ملوک الطوائف ثغر مسلمانان بود . در جنوب آن و جنوب رود طلیطله شهر شنتیرین واقع شده و در سمت شسیرین در مشرق ، بر کناره جنوبی رود حصن قنطرة السیف قرار دارد و میان آن دو هشتاد میل است . در مشرق آن بر کناره شمالی رود مدینه تولید - که ذکر آن گذشت - واقع است .

ابن سعید گوید : در شمال ستموآره با انحرافی به مشرق ، شهر نیون منصور بن ابی عامر باروی عظیم آنرا ویران ساخت . و آن بر کناره نهری است که به نهر ستموآره می ریزد . صاحب « العزیزی » گوید : نیون عظیم ترین شهر « جلالقه » است . و گوید : « جلالقه » مردمانی زیبا روی و ورزیده تن هستند . از نیون تا ساحل دریای ظلمات یعنی دریای محیط چهار منزل است ، به طرف مغرب . و نیز صاحب « العزیزی » گوید : بلاد جلالقه از جانب شمال به بلاد آندلس پیوندد و ایشان نصرانی باشند و مملکتی دارند جدا از فرنگیان روم .

ضبط نام	چهارمین اقلیم از اقلیم های عربی و بلاد اندلس						آخذ	نام بلد	شماره
	اقلیم عربی	اقلیم شمالی	عرض		طول				
			دقیقه	درجه	دقیقه	درجه			
به باء يك نقطه و راء بی نقطه و غین نقطه دار، سپس سین نقطه دار در آخرش .	از طلیقیه	از ششم	.	مد	مه	یط	ابن سعید	۳۳	بزرگش
به قاف وسین و ثاء دو نقطه فوقانی و لام و یاء دو نقطه تحتانی سپس واو و نون در آخرش.	حصن قرصالبه	از ششم	.	مچ	کز	که	ابن سعید	۳۴	فستلیون

اوصاف و اتمار حاتم

ابن سعید گوید : در مغرب بَنبَلُوته در سمت عرض ، شهر بُرغُش قاعله قستالییه واقع شده . بُرغُش دارالصناعه سلاحی است که در بلاد الفنش بکار رود . این شهر در شمال جبل الکبیر است .

ابن سعید گوید : در مشرق بَرَشَلُوته ، قستلیون واقع است . قستلیون کمینگاه دزدان دریائی است . از آنجا کشتی‌های بزرگ به راه افتد .

ذکر جزایر دریای روم و محیط غربی

مصنف چون از ذکر اندلس فراغت یافت به ذکر جزایر پرداخت. آنچه در اینجا بیان می‌کنیم جزایر دریای محیط غربی و بخصوص جزایر دریای روم است. اما جزایر دریای فارس و دریای هند را در جای دیگر، در آینده ذکر خواهیم کرد. ان شاء الله تعالی.

جزایر دریای محیط عبارتند از :

جزایر خالدات - این جزایر که اکنون در آب فرو شده و در فاصله ده درجه از ساحل واقع شده. بطلمیوس طول بلاد را از آنجا حساب کرده. جزایر سعادت - این سید گوید: جزایر سعادت میان جزایر خالدات است و ساحل. این جزایر در اقلیمهای اول و دوم و سوم پراکنده است. مجموعاً بیست و چهار جزیره است. اخباری که از آنها به ما رسیده بیشتر شبیه خرافات است.

جزیره برطانیه - از جزایر دریاهای متفرع از بحر محیط یکی جزیره برطانیه است در دریای بریدیل. دریای بریدیل از دریای شمال اندلس بیرون آید. در این جزیره جز آب باران آبی نیست. با همان آب باران کشت کنند. جزایر برطانیه شامل یازده جزیره است

جزیره انکلتره - از جزایر مشهور یکی جزیره انکلتره و به قولی انکلتره است .

ابن سعید گوید : حکمران این جزیره را ، انکتاد نامند . در تاریخ صلاح الدین در مورد جنگ‌های عبا آمده است که : تختگاه او در این جزیره شهر لندیس است . و نیز گوید : وضع جزیره از جنوب است به شمال ، با اندک انحرافی . و درازای آن چهارصد مایل است و پهنایش - در وسط - در حدود دوست مایل ، در این جزیره کان‌های زر و سیم و مس و قلعی یافته شود ولی به سبب شدت سرما تاك در آن نروید . مردمش آنچه را که از این معادن حاصل شود به بناده افرنسه برند و با شراب عوض کنند و حکمران افرنسه بدین سبب زر و سیم بسیار به دست آورده و از پشم گوسپندانشان که چون حریر نرم است ، اشکرلاط‌های نیکو سازند و آنها را در روی پوش‌هایی از چرم کشند تا از باران و آفتاب و غبار در امان باشند .

انکتاد با وجود وسعت مملکت و کثرت مال ، فرمانبردار فرانسیس است و چون مجمعی ترتیب یابد باید به خدمتش برخیزد . بدین طریق که به عادت موروث ظرف گلین طعام را نزد او بگذارد .

جزیره ارلنده - در شمال جزیره انکلتره و مقابل قسمتی از شمال بریطانیه ، جزیره ارلنده واقع شده . درازای آن دوازده روزه راه است و پهنای آن در وسط چهار روزه راه . به کثرت فتنه‌ها مشهور است . مردمش از مجوس بودند ، سپس به متابعت همسایگان خویش کیش نصرانیت گزیدند . از آن مس و قلعی به فراوانی حاصل شود .

جزیره سناقر - نزدیک به این جزایر ، جزیره سناقر است . ابن سعید

گوید: درازای جزیره سنقر هفت روزه راه است - از شرق به غرب - و پهنای آن چهار روزه راه. از آن جزیره و جزایر شمالی آن بازهای سفید آرزند. و همین بازهاست که نزد سلطان مصر برند. و او به بهای هر يك هزار دینار دهد و اگر مرده باشد پانصد دینار. و در آن جزایر خرس سفید باشد. این نوع خرس به دریا رود و شنا کند و به شکار ماهی پردازد. آنگاه آنچه را از آن ماهیان افزون آید و یا از آن غافل شوند آن بازها بر بایند و بدان زندگی کنند چه در آن نواحی به علت شدت یخبندان پرندهای یافته نشود. پوست این خرسها بسیار نرم است.

جزیره قولی - از جزایر دریای محیط شمالی، جزیره قولی است این جزیره نهایت معموره است از جانب شمال.

جزیره طریف - از جزایر دریای زقاق، جزیره طریف است. و طریف بلده کوچکی است از آندلس و برابر آن در دریا جزیره کوچکی است به همین نام.

جزیره قوصره - و از جزایر دریای روم، جزیره قوصره است. قوصره مقابل آفریقیه است، نزدیک کونس و میان آن و صقلیه يك مجری است. قوصره در اواخر اقلیم چهارم است. در آن درخت مصطکی باشد. و از آن انجیر و پنبه بسیار خیزد. قوصره به فتح قاف و سکون و او و فتح صاد بی نقطه سپس راء بی نقطه و هاء در آخرش.

جزیره مرمر - و از جزایر دریای روم، جزیره مرمر است، در وسط دهانه خلیج قسطنطنیه. در آن معدن مرمر باشد. در دوست میلی قسطنطنیه است.

جزیره مصطکی - و از جزایر دریای روم یکی جزیره مصطکی

است . در آن خانه‌ها و دبه‌ها باشد . نزدیک دهانهٔ خلیج قَسْطَنْطِیْنِی است .
 ابن‌سعید گوید : جزیرهٔ مَصْطَکِی در دریای روم است . در فاصلهٔ صد و پنجاه
 میلی دهانهٔ خلیج قَسْطَنْطِیْنِی . این جزیره در تصرف حکمران قَسْطَنْطِیْنِیّه
 است . از آنجا مصطکی به جای‌های دیگر بروند . مصطکی از درختی است
 چون درختان کوچک پسته . و بدین طریق آن را به دست آرند که در بهار
 در آن شکاف‌ها پدید آرند و مصطکی از آن شکاف‌ها جاری شود و بر
 درخت خشک گردد و این نوع نیکوتر آن باشد و اما آنچه بر زمین ریزد
 نوع پست آن بود . جزیرهٔ مَصْطَکِی در جنوب قَسْطَنْطِیْنِیّه و مغرب بلاد
 آرْمَن و در مشرق بلاد فرنگ است . ابن‌سعید گوید : درازای آن از شمال
 به جنوب در حدود شصت میل است . جزیرهٔ مَصْطَکِی در مشرق جزیرهٔ
 قَقْرَجَنْت است و میانشان در حدود سی میل فاصله است .

جزیرهٔ قَرَسَقَه - این جزیره برابر جِنِوَه است . امتداد آن از شمال
 به جنوب یک مجری است و نصف مجری . میان این جزیره متسع است
 ولی سرش که در سمت جِنِوَه است باریک است . میان آن و جزیرهٔ سَرْدَاقِیّه
 تنگه‌ای است به پهنای ده میل .

قَصْرِیَانَه - در «المشترک» آمده است که قَصْرِیَانَه به فتح قاف و
 سکون صاد بی نقطه سپس راء بی نقطه و فتح یاء دو نقطهٔ تحتانی و الف و
 نون مشدد و سپس هاء . و نیز صاحب «المشترک» گوید : «رانه» لفظی است
 رومی و قَصْرِیَانَه شهر بزرگی است در صقلیهٔ بردامر کوه .

مازَر - و نیز در «المشترک» آمده است که مازَر به فتح زاء نقطه‌دار ،
 بعد از آن راء بسی نقطه شهری است در جزیرهٔ صَقَلِیّه و مازری شارح
 «موطأ مالک» بدان منسوب است .

شماره	نام جزیره	ساخته	تجزیه تقویم از تقویم های مسرتی : جزایر دریای روم				ضبط نام ها	
			محل		حرف			
			درجه	دقیقه	درجه	دقیقه		
۱	جزیره قبادس	ابن سعید	ج	۰	لط	۰	بردهانه دریای زقاق از اول پنجم	به فتح قاف سپس الف و دال بی نقطه مکسور و در آخرش سین .
۲	جزیره یابسه و شهر آن	ابن سعید	ک	۰	ح	د	در دریای روم از اوایل چهارم	به فتح یاء دو نقطه تحتانی و الف و باء یک نقطه مکسور و سین بی نقطه مفتوح سپس هاء .
۳	جزیره مایرگه و شهر آن	ابن سعید	کد	ز	ح	س	در دریای روم در بروی اندلس از اوایل پنجم	به میم و الف و یاء دو نقطه تحتانی و سکون راء بی نقطه و قاف مفتوح و هاء .

اصناف و اخبار عامه

از ابن سعید : قادس جزیره کوچکی است. درازای آن در حدود دوازده میل است. مقابل قصر ائمه مجاز و رو به روی مصب رود اشبیلیبه در دریای محیط واقع است. میان آن جزیره و خشکی، درون دریا آثار بناهایی است، و پلی که آب شیرین از روی آن به جزیره می‌رسد. در جزیره قادس تاکستان‌ها و بستن‌های بسیار است. ابن سعید گوید: طول آن همان طول طنجه است و آن بر دهانه دریای زقاق است از بحر محیط.

ابن سعید گوید : جزیره یایسه در مغرب جزیره مایرقره و عترقره است. در آنجا شهری است به همان طول و عرضی که بیان شد. امتداد این جزیره از مغرب به مشرق و در حدود سی و یک میل است. و وسعت آن از جانب غربی در حدود بیست میل و میان آن و بلنسیه آندلس یک مجری است. اددیسی گوید : از دائیمة تا جزیره یایسه نود میل است به طرف مشرق، و از جزیره یایسه تا جزیره عتیورقره که خود شهری است - صد میل است؛ نیز به جانب مشرق.

ابن سعید گوید : جزیره مایرقره آخرین جزیرهای است که در تصرف مسلمانان مانده است. در آنجا شهری است در همان طول و همان عرضی که بیان شد. و مسافت آن از شمال به جنوب چهل میل است. مایرقره در مغرب عترقره است. دریاچه‌ای دارد که پیرامون آن نه میل است، و نیز دارای قلعه‌هایی است. شهر در جهت جنوبی است. جو بیاری پیوسته بدان داخل شود. قلعه‌ای مخصوص پادشاه است. ابن البانیه در وصف آن گوید،

و کساه حله ریشه الطاوس

و کان قبعان المذار کورس

بلد اعارتة الحمامة طوقها

و کانما تلك المیاء مدامة

ردیف	نام جزیره	مآخذ	پنجین تقویم از تقویم های مسرتنی : جزایر دریای روم				ضبط نام ها
			طل		عین		
			رو	وتیه	رو	وتیه	
۴	جزیره منسرفه و شهر آن	ابن سعید کلدانی	یب	لظ	.	در دریای روم مقابل مشرق اندلس از اوایل پنجم به فتح همیم و ضم نون مشدد و راء بی نقطه ماکن وقاف مفتوح و هاء.	
۵	جزیره سردانییه و شهر آن	اطوال ابن سعید رسم	لا لا مبا	ح ح ح	یا یا یا	در دریای روم از چهارم سردانی را فرنگان، سردانی گویند . به ضم سین بی نقطه و سکون راء بی نقطه و فتح دال بی نقطه سپس الف و نون مکسور و یاء دو نقطه تحتانی مفتوح سپس هاء .	
۶	جزیره جریه	قیاس	لج	ب	.	در دریای روم مقابل آفریقه از سوم به کسر جیم و سکون راء بی نقطه سپس یاء یک نقطه و در آخرش هاء (از شیخ شعیب).	

اوصاف و اخبار طایفه

و نیز گوید : مَنْرُقَه جزیره‌ای است در دریای مُزَقاق .-

و در آن شهری است به همان طول و عرض که بیان شد. و مسافت آن از شمال به جنوب پنجاه میل است و به قولی هفتاد میل . جزیره مَنْرُقَه در مشرق جزیره مایْرُقَه است . و میانشان پنجاه میل است. جزیره‌ای است مستطیل و کم پهنا و در وسطش قلعه‌ای است استوار و بلند .

و نیز گوید : جزیره سَرْدَانِیَه در مشرق جزایر مذکور است. و در آنجا شهری است به همان طول و عرض. از مغرب این جزیره مرجان خیزد. درازای آن از شمال به جنوب دو مَجْری و نصف مَجْری است . در برابر آن از بَسْر الْعَدْوَه، مَرَسِی الْخِرَزْ واقع شده و آن در مشرق قُسْطَنْطِیْنِیَه است . این سعید گوید : جزیره سَرْدَانِیَه رو به روی بلاد بیزه است در سَرْدَانِیَه قلعه‌هایی است بسیار و نیز معدن میم و مناص مرجان باشد.

این سعید گوید : درازای جزیره جیربَه يك مرحله است . و آن در مشرق قایس است . و میان آن و خشکی تَنگَه باریکی است که از آن با زورق می‌گذرند و به جزیره درمی‌آیند . این معبر در يك منزلی مشرق قایس است . از جزیره جیربَه روغن زیتون بسیار و مویز و سیب و پوشیدنی‌های نیکو خیزد و به جای‌های دیگر برند. صَقْلِیَه در شمال جیربَه است . و چون دریا از جزیره جیربَه بگذرد به بر جنوبی رسد و در این مسیر شامل طرابلس غرب گردد . ادیسی گوید: درازای جزیره جیربَه از مغرب به مشرق شصت میل است و پهنای رأس شرقی آن پانزده میل . مکانی است مسکن قبایل «بربر» و اهل آن بیشتر اسمر باشند .

ردیف	نام میلد	ساخته	ببین تقویم از تقویم ای عسری : جزیره بای دوم				ضبط نام تا				
			اول		دوم						
			درج	دقیقه	درج	دقیقه					
۷	جزیره قاعده جزیره صقلیه	ابن سعید	له	۰	لو	۰	ی	ن	از چهارم	در دریای روم مقابل افریقیه	به فتح صاد بی نقطه و قاف سپس لام و یاء دو نقطه تحتانی و هاء .
۸	مسینه شهری از صقلیه	ابن سعید	له	م	لح	به	از چهارم	از صقلیه	به فتح میم و کس سین بی نقطه مشدد و سکون یاء دو نقطه تحتانی و فتح نون سپس هاء .		
۹	جزیره شامیس	اطوال	مب	م	لح	ی	از آخر چهارم	در دریای روم	به فتح شین نقطه دار سپس الف و میم مکسور آنگاه سین بی نقطه .		

اصناف و اخیار حائر

جزیره صقلیه میان دنباله غربی آن و تونس يك مجری و شش میل است و گرداگرد آن پانصد میل. مقابل بلترم کوهی است که از آن چشمه‌های کوچک بسیار می‌جوشد موسوم به غربال ، جزیره صقلیه چون مثلی است حاد الزاویه و زاویه نخستین آن شمالی است . و از آنجا معبر باریکی است به سوی ارض الکبیر در حدود شش میل . و زاویه دوم جنوبی است در مقابل بئر طرابلس از افریقیه ، و زاویه سوم غربی است. در جانب شمالی این زاویه غربی جزیره ای است کوچک و در آن کوه‌های آتشفشان باشد و ما در پایان کتاب به بیان آن خواهیم پرداخت. در شمال جزیره صقلیه بلاد قنوره واقع شده و حکمران آن در این زمان مردی فرنگی است از کیتلان ، به نام رید فریک . شهرهای جزیره صقلیه عبارتند از : بلترم ، طرائس ، مازر و قصریاته .

بینه در زاویه شمالی جزیره صقلیه واقع است. شهری است به فراوانی انگور و شراب معروف . مسینه در کنار جزیره و رو به روی قنفریه است . در صقلیه زمین لرزه‌های بسیار حادث شود چنانکه بیشتر عماراتش ویران گردد . در آن بیش از صد قلعه باشد و گرداگرد آن هفده روزمراه باشد و درازای آن به خط مستقیم پنج روزه راه. بزرگترین شهرها و نیز قاعده آن شهر بلترم است. شهرهای دیگری نیز دارد. ولی مشهورترشان همان بلترم و مسینه است. صقلیه در دست مسلمانان بود ولی امروز در تصرف نصاری است. شریف ادیبی گوید :

گرداگرد صقلیه پانصد میل ۱

شامیس ، از جزایر رومی است . که می‌گویند مجموع سبصد جزیره و میان افریطیش و شمال واقع شده . برخی از مسافران چنین گفتند .